آرمان ملّی
armanmeli.ir
سال پنجم
شماره ۱۲۷۱
چهارشنبه
۱۴۰۱•۰۲•۲۱
۰۹ شوال ۱۴۴۳/ ۱۱ می ۲۰۲۲

یادداشت

مرگ روزنامه‌نگاری اندیشه؟

حسین انتظامی
تحلیلگر فرهنگی و فعال رسانه

وقتی صحبت از روزنامه‌نگاری اندیشه می‌کنیم، فقط روزنامه‌ها را مراد نمی‌کنیم. بلکه مجلات فکری، ژورنال‌های دانشگاهی (با همه اشکالات آن) و حتی کتاب‌ها و در واقع، میراث گوتنبرگ را منظور داریم. حتی سایر مدیوم‌ها از جمله رادیو و تلویزیون را نیز شامل می‌شود؛ همچنانکه برنامه‌های علمی شبکه‌های تلویزیونی، زیرشاخه روزنامه‌نگاری علم به شمار می‌آید. علاوه بر اینها، من به‌رغم برخی صاحب‌نظران، رسانه‌های اجتماعی را نیز مراد می‌کنم. درست است که بین «رسانه‌های جمعی» و «رسانه‌های اجتماعی» تفاوت‌هایی هست و دو رویکرد و دو جهان دارند و برخاسته از دو پارادایم متفاوت‌اند اما یک کارکرد دارند. بله درست است که شیوه تولید رسانه‌های اجتماعی با شیوه نظام‌مند رسانه‌های جمعی (مثلا مقوله دروازه‌بانی) متفاوت است. همچنین در سایه روزنامه‌نگاری شهروندی، آحاد مردم، روزنامه‌نگار قلمداد می‌شوند و بلکه هستند (توأمان: مصرف‌کننده و تولیدکننده). به‌علاوه، انفعال و اثرپذیری قالبی مخاطب تقریبا بی‌معنا شده؛ چالش‌های اخلاق حرفه‌ای جدیدی فراروی بشریت گذاشته و... اما بالاخره «رسانه» است. در ایران، صفحات اندیشه روزنامه‌ها که نسبت به مجلات و ژورنال‌ها و کتاب‌ها تاثیر عمومی بیشتری داشته‌اند عمدتا توسط دانشجویان یا فارغ‌التحصیلان یا علاقه‌مندان فلسفه، اداره می‌شده و از این‌رو در بازنمایی، یک تناظر یک به یک، بین اندیشه و فلسفه ایجاد شده است. در آن صفحات عمدتا مصاحبه‌ها و مقالات و ترجمه‌های اهل فلسفه دیده می‌شد. تاحدودی کلام و شاید از آن رهگذر، به الهیات هم وارد می‌شدند. فلسفه‌زدگی صفحات اندیشه، دلیل دیگری هم می‌تواند داشته باشد. اهل فلسفه، بحاث‌ترند و به مجادلات زبانی و مغالطات، تسلط دارند و از رمزگشایی، کنه‌پردازی و مغایرت‌گیری واژگان و عبارات و آموزه‌ها استقبال می‌کنند. این تناظر یا تداعی، شاید خاستگاه یا دلیل دیگری هم داشته باشد. فلسفه، فن اندیشه‌ورزی است و از این‌رو می‌توان ادعا کرد خودش علم نیست! بلکه از آنجا که در مواجهه با هر پدیده‌ای، ابتدا از چیستی آن سراغ می‌گیرد، مبنای اندیشیدن است. درست که فیلسوفان متقدم اسلامی، تحت تاثیر افلاطون و ارسطو عمدتا به مابعدالطبیعه پرداخته‌اند، اما با گسترشی که فلسفه یافته - که یکی از وجوه آن، فلسفه‌های مضاف است- تقریبا در همه علوم، حضور، بلکه بر آنها سیطره پیدا کرده است. یک ترادف بین اندیشه (تفکر) و روشنفکری وجود دارد. از این رو منشورات و برنامه‌های سمعی و بصری نخبگانی در سایر حوزه‌های علوم انسانی (جامعه‌شناسی، سیاست، حقوق، اقتصاد سیاسی و...) نیز می‌تواند در قالب روزنامه‌نگاری اندیشه تعریف شود. علوم تجربی، اگرچه تولید علم، نظریه، فناوری و صنعت می‌کنند، اما قاعدتا در این تعریف از «اندیشه» نمی‌گنجند. روشنفکران در مغرب زمین طی دو—سه قرن اخیر، پیشران تحولات اجتماعی بوده‌اند. انقلاب فرانسه(۱۷۸۹) هرچند خاستگاه توده‌ای داشت، اما اصحاب دایره‌المعارف (ولتر، روسو، دیدرو و...) در هدایت و شکل بخشی به آن، نقشی محوری داشته‌اند. در انقلاب اصطلاحا شکوهمند انگلستان(۱۶۸۸)، در استقلال آمریکا (۱۷۷۶) و در انقلاب اکتبر شوروی (۱۹۱۷) نیز راهبری بلامنازع روشنفکران را می‌بینیم. به عنوان مثال، انقلاب اکتبر اگرچه زمینه شورش دهقانی داشته اما بلشویک‌ها با آموزه‌های مارکس، ولو برداشت ناقص یا انحرافی یا فرصت‌طلبانه، به آن جهت دادند. یادمان باشد کتاب کاپیتال، پرفروش‌ترین کتاب پس از انجیل است که خودِ این گزاره به تاثیر منشورات اندیشه‌ای بر دگردیسی‌های سیاسی، صحه می‌گذارد. در تحولات و فروریزی‌های اروپای شرقی در اواخر قرن بیستم، البته روشنفکران نقش راهبردی یا راهبری نداشتند (بجز چکسلواکی). دلیل غیبت آنان، وجود رژیم‌های استبدادی بوده است که اساسا اجازه شکل‌گیری جریان‌های روشنفکری انتقادی را در داخل اقلیم خود نمی‌داده و پدیده سامیزدات (کتاب‌های زیرزمینی) و خلع تابعیت یا مهاجرت نخبگان فکری به همین دلیل در آن بلوک سر برآورده بود. شتاب‌گیری تحولات عالم با انقلاب گوتنبرگ (۱۴۵۰م) شروع شد و بی‌جهت نیست که فاصله نیمه قرن پانزدهم تا اواخر قرن هجدهم (انقلاب فرانسه) را «آغاز مدرن» می‌نامند. تا سال ۱۵۰۰ یعنی فقط در طول ۵۰ سال، ماشین چاپ در ۲۵۰ نقطه اروپا مستقر شد و ۲۷هزار اثر، انتشار یافت؛ یعنی دستکم ۱۳میلیون نسخه کتاب در اروپای ۱۰۰میلیونی آن عصر. هرچند تا حدود نیمه قرن شانزدهم، انتشار کتاب‌هایی چون شهریار(ماکیاولی) و رساله درباره پادشاهی (دانته) ممنوع بود! سایر تحولات از جمله نهضت اصلاح‌گری دینی (۱۵۱۷)، نظریه کپرنیک (۱۵۴۳)، اختراع موتور بخار و آغاز انقلاب صنعتی (۱۶۹۰)، اختراع تلگراف (۱۸۷۳) که هر یک، سرمنشاء تحولاتی چشمگیر و عالمگیر بوده‌اند از پی آینده‌های انقلاب پایه (اختراع چاپ) به شمار می‌آید. در رفتاری هم‌افزا با همدیگر (مثلا گسترش ارتباطات فیزیکی یعنی حمل و نقل به‌ویژه راه‌آهن با صنعت ارتباطات از جمله روزنامه‌ها، تلگراف، رادیو، تلویزیون، اینترنت) و دیالکتیک بین آنها رشد و اثر بخشی دیگری را شتاب داده است. این نیز خود گواه نقش رسانه (مشخصا روزنامه‌نگاری اندیشه) در شکل‌دهی جامعه و تمدن است. روشنفکری ایرانی به دلایل متعدد با روشنفکری غربی و حتی عربی تفاوت‌هایی دارد؛ از جمله در راهبری. در نقاط عطف تاریخ متاخر ایران (مثلا مشروطه، نهضت ملی‌شدن نفت و انقلاب اسلامی) روشنفکری حتی اگر جرقه‌ها یا هدایت‌گری‌هایی هم داشته است اما به واسطه غلبه جریان اصلی (مذهب) نقش تام یا برجسته یا تمام‌کننده نداشته است. در حالی که یک رسانه، اگر به دنبال افزایش درک مردم و قدرت تحلیل آنهاست نباید در سایر صفحات، کاملا عوام زده رفتار کند و فقط یک صفحه (یا یک برنامه) را برای خالی‌نبودن عریضه، یا جورکردن جنس، یا ادعای فکورانه بودن یا رسالت، به مباحث اندیشه‌ای اختصاص دهد. اگر اندیشه‌وران در صفحات یا برنامه‌های اندیشه‌ای حضور می‌یابند چه بهتر که یک مقوله یا پدیده روز و کاملا ملموس را از نگاه خود تحلیل کنند، نه آنکه کلاس‌های درسی خود را- گیرم به زبان ساده یا جمع و جور- بازخوانی کنند. پرسش اینجاست آیا روزنامه‌نگاری اندیشه به محاق رفته و از قدرت سازماندهی و موج‌آفرینی، تهی شده است؟ در سایر کشورها که اصلا. اگرچه سبک زندگی به‌ویژه با استیلای رسانه‌های زرد و اولویت یافتن تفریح و سرگرمی در زندگی یومیه آنان، تا حدی مؤید پیش‌بینی‌های چند دهه پیش نظریه‌پردازانی چون پستمن است اما بررسی تحولات نشان می‌دهد که هنوز متفکران و روشنفکران، راهبرند و با نظریه‌های خود، پیچ‌های تاریخی را پیش‌بینی یا آن را تحلیل می‌کنند و حتی راه حل می‌دهند. در ایران هم نمی‌توان به ضرس قاطع از مرگ (یا حداقل: بی‌تاثیری) روزنامه‌نگاری اندیشه سخن گفت.

حسن هانی‌زاده در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

نزدیک کردن دیدگاه ایران و آمریکا؛ هدف دو سفر

هدف سفر امیر قطر به ایران نزدیک کردن دیدگاه‌های ایران و آمریکاست

فرانسه، آلمان و انگلیس به دنبال به نتیجه رسیدن مذاکرات هستند

میانجی‌گری کشورهای دیگر در به نتیجه رسیدن مذاکرات نقش تعیین کننده دارد

عدم لغو تحریم‌های ایران توسط بایدن به دلیل فشار تندروها بود

ایران در مذاکرات در تفهیم برنامه هسته‌ای خود به کشورهای اروپایی موفق بوده است

تندروها بایدن را برای به بن‌بست کشاندن مذاکرات تشویق می‌کنند

برجام اسیر موضوعات غیر برجامی شده است

آرمان ملی- احسان انصاری: با سفر امیر قطر و انریکه مورا معاون مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا و مذاکره‌کننده ارشد اتحادیه اروپا در مذاکرات هسته‌ای روند مذاکرات هسته‌ای ایران و کشورهای غربی وارد فاز جدیدی شده است. امیر قطر در حالی به تهران سفر می‌کند که پس از آن راهی اروپا خواهد شد. درنتیجه به نظر می‌رسد وی با هدف میانجی‌گری برای نزدیک کردن دیدگاه‌های ایران و آمریکا به تهران سفر کرده است. از سوی دیگر سفر مورا نیز می‌تواند نقطه روشنی در باز کردن گره‌های برجام باشد. «آرمان ملی» برای تحلیل و بررسی این موضوع با دکتر حسن هانی زاده کارشناس روابط بین‌الملل گفت‌وگو کرده است. هانی زاده معتقد است: «سفر امیر قطر به تهران نیز در راستای از بن‌بست خارج کردن مذاکرات برجام و به نتیجه رسیدن آن است. بدون تردید امیر قطر تلاش می‌کند مسئولان جمهوری اسلامی و در آینده مسئولان کشورهای غربی به‌خصوص آمریکا را برای رسیدن به نتیجه در مذاکرات ترغیب و تشویق کند. همزمانی سفر انریکه مورا و امیر قطر نیز معنادار است و نشان می‌دهد که مذاکرات هسته‌ای در نقطه‌ای قرار گرفته که با میانجی‌گری برخی کشورهای دیگر ممکن است گره‌های موجود باز شود و درنهایت مذاکرات به نتیجه برسد. واقعیت این است که کشورهایی که از ظرفیت میانجی‌گری برخوردار هستند در شرایط کنونی می‌توانند نقش تعیین کننده‌ای در به نتیجه رسیدن مذاکرات داشته باشند.» در ادامه ماحصل این گفت‌وگو را می‌خوانید.

انریکه مورا معاون مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا و مذاکره‌کننده ارشد اتحادیه اروپا در مذاکرات هسته‌ای با چه هدفی به تهران سفر کرده است؟ این سفر به چه میزان می‌تواند در باز کردن گره‌های برجام مؤثر باشد؟

سفر آقای مورا به تهران در راستای تلاش سه کشور اروپایی فرانسه، انگلیس و آلمان برای شکستن بن‌بست مذاکرات هسته‌ای است. در هفته‌های گذشته مذاکرات ایران با کشورهای غربی برگزار شد و برخی مسائل باقی‌مانده از گذشته که در پیشبرد روند مذاکرات و لغو تحریم‌های اعمال‌شده علیه ایران موثر بود، مطرح شد. موضوع دیگری که موردبحث بود تحریم نهادهای نظامی ایران بود. با این‌وجود روند مذاکرات به شکلی پیش رفت که درنهایت مذاکرات به نتیجه نرسید و متوقف شد و مذاکره‌کنندگان به کشورهای خود بازگشتند. واقعیت این است که سه کشور فرانسه، انگلیس و آلمان سهم بیشتری از آمریکا برای همکاری با ایران دارند و به همین دلیل ورود آمریکا به فاز مذاکرات و طرح مسائل حاشیه‌ای مانند توانایی موشکی و منطقه‌ای ایران و برخی موضوعات حاشیه‌ای دیگر باعث شد که روند مذاکرات در وین در نهایت به یک نقطه قابل قبولی نرسد. سه کشور اروپایی از راه‌های مختلف تلاش می‌کنند مذاکرات در مسیری قرار بگیرد که درنهایت به نتیجه برسد. این در حالی است که ایران نیز حسن نیت خود را در این زمینه نشان داده و برای به نتیجه رسیدن مذاکرات تلاش می‌کند. البته این تلاش منوط به این است که نقطه نظرات و دیدگاه‌های ایران موردقبول طرفین قرار بگیرد. به‌هرحال ایران در مذاکرات دارای دغدغه‌هایی است که مهم‌ترین آن رفع تحریم‌هاست. تحریم‌ها در سال‌های اخیر اقتصاد کشور را با چالش‌هایی مواجه کرده و به همین دلیل باید برداشته شود تا ایران بتواند در بازارهای جهانی فعالیت خود را از سر بگیرد.

> **سه کشور اروپایی فرانسه، آلمان و انگلیس با توجه به بحران اوکراین تلاش می‌کنند مذاکرات هر چه زودتر به نتیجه برسد. این اتفاق در حالی رخ می‌دهد که کشورهای اروپایی این احتمال را می‌دهند که در آینده روسیه دیگر به این کشورها گاز ندهد. به همین دلیل ایران می‌تواند بهترین گزینه برای جایگزینی روسیه باشد**

یکی از موضوعاتی که در مذاکرات مورد بحث است وضعیت فعالیت‌های هسته‌ای ایران است. ایران برای تفهیم برنامه هسته‌ای خود به کشورهای غربی چه رویکردی را در مذاکرات در پیش گرفته است؟

این موضوع نکته‌ای بوده که در دستور کار تیم مذاکره‌کننده ایران قرار داشته و تیم مذاکره‌کننده تلاش کرده کشورهای غربی را متقاعد کند که فعالیت‌های هسته‌ای ایران در چارچوب‌های قوانین بین‌المللی است و شائبه‌هایی که برخی کشورها در این زمینه مطرح می‌کنند صحیح نیست. تا حدود زیادی نیز ایران در این کار موفق شده و در شرایط کنونی سه کشور فرانسه، آلمان و انگلیس اعتماد بیشتری به ایران در زمینه فعالیت‌های هسته‌ای پیدا کرده‌اند. این در حالی است که بدگمانی‌هایی که در این زمینه مطرح می‌شود بیشتر از طرف آمریکاست و این کشور است که با حمایت اسرائیل و برخی کشورهای عربی به این بدگمانی دامن می‌زند. به نظر می‌رسد برخی چهره‌های افراطی در آمریکا با حمایت لابی‌های صهیونیستی تیم جو بایدن را برای به بن‌بست رساندن مذاکرات تحریک و تشویق می‌کنند. این افراد و گروه‌ها به شکل‌های مختلف در آمریکا بایدن را تحت‌فشار قرار داده‌اند. درنتیجه این فشارها آمریکا که آماده بود بخش مهمی از تحریم‌های اعمال‌شده علیه ایران را لغو کند تحت‌فشار اعضای افراطی کنگره آمریکا قرار گرفت به همین دلیل تیم بایدن نتوانست در مذاکرات با ایران به تفاهم دست پیدا کند.

> **واقعیت این است مسائلی که در درون برجام نیست و ارتباطی به متن برجام ندارد باعث شده که تاکنون مذاکرات به نتیجه نرسد. آمریکا برای خارج کردن سپاه از لیست گروه‌های تروریستی پیش‌شرط‌هایی مطرح کرده که مورد قبول ایران قرار نگرفته است. به همین دلیل نیز تاکنون گشایشی در مذاکرات وجود نداشته و مذاکرات به بن‌بست رسیده است**

شیخ تمیم حمد آل ثانی امیر قطر نیز به تهران سفر کرده است. گمانه‌زنی‌ها درباره این سفر بیانگر این است که وی برای میانجی‌گری بین ایران و کشورهای غربی به‌خصوص آمریکا به تهران آمده است. ارزیابی شما از سفر امیر قطر به ایران چیست؟ آیا این سفر می‌تواند در راستای به نتیجه رسیدن مذاکرات مؤثر باشد؟

سفر امیر قطر به تهران نیز در راستای از بن‌بست خارج کردن مذاکرات برجام و به نتیجه رسیدن آن است. بدون تردید امیر قطر تلاش می‌کند مسئولان جمهوری اسلامی و در آینده مسئولان کشورهای غربی به‌خصوص آمریکا را برای رسیدن به نتیجه در مذاکرات ترغیب و تشویق کند. هم‌زمانی سفر انریکه مورا و امیر قطر نیز معنادار است و نشان می‌دهد که مذاکرات هسته‌ای در نقطه‌ای قرار گرفته که با میانجی‌گری برخی کشورهای دیگر ممکن است گره‌های موجود باز شود و درنهایت مذاکرات به نتیجه برسد. واقعیت این است که کشورهایی که از ظرفیت میانجی‌گری برخوردار هستند در شرایط کنونی می‌توانند نقش تعیین کننده‌ای در به نتیجه رسیدن مذاکرات داشته باشند. در شرایط کنونی طرفین در مذاکرات روی متن برجام توافق کرده‌اند و تنها مسائل غیر برجامی و حاشیه‌ای است که اجازه نمی‌دهد مذاکرات به نتیجه برسد. به همین دلیل کشورهایی مانند قطر که از رابطه حسنه‌ای با ایران و غرب برخوردار هستند می‌توانند در این زمینه نقش میانجی داشته باشند و گره‌های موجود را باز کنند. نقش قطر در نزدیک کردن دیدگاه‌های ایران و آمریکا در مذاکرات بسیار مهم است. به همین دلیل نیز امیر قطر تصمیم گرفته شخصا به تهران سفر کند و با مسئولان جمهوری اسلامی دیدار و گفت‌وگو کند. من معتقدم سفر انریکه مورا و امیر قطر در شرایط کنونی یک نقطه روشن در روند مذاکرات خواهد بود. به‌هرحال مسائلی در مذاکرات مطرح است که نیاز به بررسی طرفین دارد و ایران و آمریکا در حال بررسی شرایط برای رسیدن به یک تصمیم منطقی و صحیح هستند. در این زمینه برخی کشورها مانند اسرائیل تلاش می‌کنند مسیر مذاکرات را به بن‌بست بکشانند. به همین دلیل اگر طرفین به دنبال این هستند که مذاکرات به نتیجه برسد باید از کشورهایی که از ظرفیت میانجی‌گری برخوردار هستند استفاده کنند.

> **برخی چهره‌های افراطی در آمریکا با حمایت لابی‌های صهیونیستی تیم جو بایدن را برای به بن‌بست رساندن مذاکرات تحریک و تشویق می‌کنند. این افراد و گروه‌ها به شکل‌های مختلف در آمریکا بایدن را تحت‌فشار قرار داده‌اند. در نتیجه این فشارهای آمریکا که آماده بود بخش مهمی از تحریم‌های اعمال‌شده علیه ایران را لغو کند تحت‌فشار اعضای افراطی کنگره آمریکا قرار گرفت به همین دلیل تیم بایدن نتوانست در مذاکرات با ایران به تفاهم دست پیدا کند**

به نظر شما گره اصلی مذاکرات کجاست و چه عواملی باعث شده که مذاکرات به نتیجه نرسد؟

یکی از مسائلی که باعث شده مذاکرات تاکنون به نتیجه نرسید موضوع خارج شدن سپاه از لیست سازمان‌های تروریستی است که مورد درخواست ایران است. به نظر می‌رسید بایدن در ابتدا با این موضوع مخالف نبود اما پس از مدتی با فشارهایی که از داخل آمریکا و به‌خصوص کنگره به بایدن وارد شد تاکنون درخواست ایران بدون پاسخ باقی‌مانده است. واقعیت این است که مسائلی که در درون برجام نیست و ارتباطی به متن برجام ندارد باعث شده که تاکنون مذاکرات به نتیجه نرسد. آمریکا برای خارج کردن نام سپاه از لیست گروه‌های تروریستی پیش‌شرط‌هایی مطرح کرده که موردقبول ایران قرار نگرفته است. به همین دلیل نیز تاکنون گشایشی در مذاکرات وجود نداشته و مذاکرات به بن‌بست رسیده است. بااین‌حال جمهوری اسلامی ایران و تیم مذاکره‌کننده ایرانی در مذاکراتی که در طول ۳ ماه گذشته در وین انجام شد، یکسری راهکارها ارائه داد که این راهکارها مبتنی بر منافع ملی است. ۴ سند حقوقی، مالی، اقتصادی و فنی از سوی تیم مذاکره‌کننده ایرانی به گروه ۴+۱ در وین ارائه شد و تقریبا هر ۴ سند ظاهرا از سوی ۳ کشور اروپایی موردپذیرش قرار گرفته است. سه کشور اروپایی هم به این نتیجه رسیدند که از رهگذر تحریم‌ها نخواهند توانست ایران را وادار به تسلیم کنند. لذا تیم مذاکره‌کننده ایران با راهبردهایی که صورت گرفت و برنامه‌ریزی‌های کاملا دقیق و موفق توانستند طرف‌های اروپایی را قانع کنند که برای ادامه همکاری و رسیدن به یک نقطه قابل اتکا بین ایران و کشورهای اروپایی باید تحریم‌ها لغو شود. باید یک سازوکار قانونی ایجاد شود تا از رفتارهای فراقانونی هر کشوری در مذاکرات جلوگیری کند. کشورهای طرف حساب ایران در مذاکرات باید متعهد شوند تا همگی نسبت به تعهدات پایبند خواهند بود و در صورت عدم پایبندی جریمه‌ای برای آن در نظر گرفته شود. متأسفانه لابی صهیونیستی در این مذاکرات وارد عمل شده و سعی کرده از ابتدای گفت‌وگوها تأثیر بگذارد. هرچند که تیم رئیس‌جمهور آمریکا نگاه مثبتی نسبت به رژیم صهیونیستی ندارد اما شاهد هستیم که تروئیکای اروپایی تحت‌فشار آمریکا اظهارات متناقض و رفتار پارادوکسی از خود نشان می‌دهند. تیم جو بایدن به این نتیجه رسیده که خروج ترامپ از برجام جایگاه آمریکا را در عرصه بین‌المللی تنزل داد و باید آمریکا اشتباهات گذشته خودش را جبران کند. آمریکایی‌ها به این نتیجه رسیده‌اند که چاره‌ای جز تعامل احترام‌آمیز با مردم ایران نخواهند داشت و باید در این خصوص رفتار ملایم‌تری نشان دهند و این شیوه را هم مورد تجربه خود قرار دهند و از شیوه‌های تهاجمی دست بردارند.

با توجه به شرایط موجود چه چشم‌اندازی پیش روی برجام قرار دارد؟ آیا می‌توان در کوتاه‌مدت به توافق در مذاکرات خوش‌بین بود؟

سه کشور اروپایی فرانسه، آلمان و انگلیس با توجه به بحران اوکراین تلاش می‌کنند مذاکرات هرچه زودتر به نتیجه برسد. این اتفاق در حالی رخ می‌دهد که کشورهای اروپایی این احتمال را می‌دهند که در آینده روسیه دیگر به این کشورها گاز ندهد. به همین دلیل ایران می‌تواند بهترین گزینه برای جایگزینی روسیه باشد و سفر امیر قطر و آقای مورا به تهران می‌تواند تلاشی برای نزدیک‌تر کردن مواضع ایران و کشورهای غربی باشد به شکلی که در آینده اتفاقات بهتری برای مذاکرات رخ بدهد. بیشتر محور مذاکرات چانه‌زنی‌های روسیه با سه کشور اروپایی و به‌صورت غیرمستقیم با آمریکاست. ازاین‌رو به نظر می‌رسد روسیه خواهان تضمین‌های کتبی از آمریکا برای عدم خروج از برجام است که آمریکایی‌ها چنین تضمینی را نخواهند داد. این در حالی است که روسیه در شرایط کنونی تلاش می‌کنند از برجام در رابطه با بحران اوکراین بهره‌برداری کنند. طبیعی است که حوادث اوکراین و حمله روسیه به این کشور روی تمام مسائل بین‌المللی تأثیر گذاشته به‌ویژه اینکه مذاکرات وین هم تحت تأثیر فضای بحران اوکراین قرار گرفته است. طولانی شدن جنگ در اوکراین منجر به فرسایش ارتش روسیه خواهد شد و آسیب‌های جدی به ساختار نظامی روسیه وارد می‌سازد. اکنون تحریم‌های سنگینی علیه روسیه از سوی اروپا و آمریکا اعمال‌شده و اگر بحران اوکراین ادامه یابد، روسیه تضعیف خواهد شد. این همان هدفی است که آمریکا و ناتو دنبال می‌کنند که بدون هزینه روسیه را تضعیف کنند.

گـــزارش

کوروش احمدی مطرح کرد:

هماهنگ‌کننده برجام برای یافتن راه‌حل میانه عازم تهران می‌شود

یک تحلیلگر مسائل بین‌الملل در ارتباط با سفر انریکه مورا به تهران و سناریوهایی که هماهنگ‌کننده برجام پیش خواهد برد، اظهار داشت: درجه اول باید بر اظهارات جوزپ بورل توجه کنیم؛ وی هفته گذشته در مصاحبه‌ای با فایننشال تایمز کلیاتی را در مورد اهدافش از فرستادن انریکه مورا به تهران بیان کرد. وی گفت هدف او در این مقطع زمانی یافتن «راهی میانه» برای شکستن بن‌بست بر سر مهم‌ترین مانع باقی مانده، یعنی خروج سپاه از لیست FTO(گروه‌های تروریستی خارجی آمریکا) است. کوروش احمدی گفت: لذا می‌توان هدف اصلی مورا از آمدن به ایران را بررسی امکان یافتن «راه‌حل میانه» مد نظر بورل در مورد لیست FTO دانست. این راه‌حل میانه ظاهرا این است که سپاه از لیست FTO حذف و سپاه قدس به آن لیست اضافه شود. می‌دانیم که سپاه در آوریل ۲۰۱۹ به لیست FTO اضافه شد و سپاه قدس در ۲۰۰۷ به لیست SDGT اضافه شده بود؛ لیستی که برخلاف FTO که در کنترل وزارت خارجه آمریکاست، توسط وزارت خزانه‌داری کنترل می‌شود. وی افزود: در مورد اینکه آیا اقدام بورل در حکم نوعی اتمام حجت هم است یا نه، می‌توان از عبارت «تیر آخر» که بورل در مصاحبه به‌کار برده، چنین نتیجه‌ای گرفت. همچنین می‌توان با استناد به گفته او در همین مصاحبه مبنی بر اینکه «قصدی برای دادن اولتیماتوم به ایران وجود ندارد»، قصد اتمام حجت را رد کرد، اما اگر از این سفر چیزی حاصل نشود و بن بست ادامه یابد، می‌توان تصور کرد که حداقل در این مرحله و با توجه به شرایط خاص داخلی در ایران و آمریکا و شرایط بین‌المللی مثل جنگ اوکراین در این دوره، بن‌بست قطعی شود و لازم باشد که منتظر شرایطی متفاوت در آینده برای از سرگیری تلاش‌ها بمانیم. این تحلیلگر ارشد روابط بین‌الملل در این ارتباط که طولانی شدن مذاکرات چه صدماتی به توافق احتمالی زد و این صدمات برای دستیابی به توافق قابل جبران است، بیان کرد: قطعا طولانی شدن هر پروسه مذاکراتی، اعم از داخلی و خارجی، آسیب‌زاست. دگرگون شدن شرایط، تغییر دولت‌ها، تغییر در صف‌بندی قوا در سطح بین‌المللی و منطقه‌ای و نیز وارد معادله شدن برخی فاکتورهای جدید مثل فاکتور افکار عمومی داخلی و بین‌المللی و لو رفتن برخی نکات که باید محرمانه بماند و... از عواملی هستند که ممکن است محاسبات طرف‌ها را دگرگون کنند. وی افزود: وقتی فرصتی برای انجام کاری فراهم می‌شود، باید به فوریت آن‌را غنیمت شمرد، چراکه به دلایلی که گفتم این فرصت‌ها معمولا بسیار زودگذر هستند و به سرعت فوت می‌شوند. اصولا یکی از مهارت‌های حکمرانی، شناخت فرصت‌ها و استفاده به موقع از آنهاست. این کارشناس مسائل سیاست خارجی ادامه داد: در همین ارتباط لازم به ذکر است که در حال حاضر جنگ اوکراین فرصتی بسیار مناسب برای ایران فراهم کرده است. اکنون که غرب نیاز به سوخت دارد، برجام با شرایط بهتری برای ایران می‌تواند احیا شود. به‌علاوه، باید در نظر داشت که روسیه در اوکراین تا هم اکنون هیچ نمایش قابل توجهی نداشته است. با توجه به چنین دورنمایی بسیار به سود ایران است که تا این فرصت از دست نرفته، اقدام به احیای برجام کند. وی تصریح کرد: به‌طور کلی نقش دادن به کشورهای منطقه که رقبای واقعی ما هستند، برای وساطت بین ایران آمریکا در حکم دادن امتیاز بی‌دلیل به آنهاست. در شرایطی که ایران خود با اروپا در تماس است و از طریق اروپا با آمریکا تماس دارد، نیازی و واسطه شدن کشور ثالثی نیست.

نگـــاه

منصور حقیقت‌پور:

اقتصاد ما نیاز به جراحی داشت

یک نماینده سابق مجلس درباره علل و عوامل گرانی‌های اخیر و راهکارهای اظهار داشت: دولت انگار خواسته که یک ماشینی را در جاده به حرکت درآورد و مسیری را طی کند اما پیش‌بینی اوضاع احوال جاده را نکرده و نمی‌دانسته چه‌قدر سوخت برای طی کردن مسیر لازم است. بله قبول داریم که اقتصاد ما نیاز به جراحی کنونی داشت اما جراحی شرایطی دارد اول باید بیماری به دقت معلوم شود، وضعیت مریض چک شود، ضربان قلب، وضعیت ریه‌ها، تنفس، شرایط بیهوشی، ریکاوری قبل از جراحی و در نهایت همه این شرایط باید مورد تأیید پزشک جراح قرار گیرد تا در نهایت جراحی انجام شود. منصور حقیقت‌پور گفت: درست است که باید ارز ۴۲۰۰ تومانی جمع می‌شد تا عده‌ای نتوانند از این رانت استفاده کنند اما دولت باید قبل از اصلاح ارز ترجیحی کالابرگ الکترونیک را آماده و تولید می‌کرد و حتی آن را شارژ می‌کرد و به همه مردم می‌داد و می‌گفت مثلا دو میلیون پول در این کارت هست اما تا زمانی که اعلام نکرده‌ایم نمی‌توانید برداشت کنید و توضیح می‌داد که پول در این کارت برای جبران گرانی اقلامی مانند مرغ، تخم‌مرغ، نان، ماکارونی و... است تا مردم قانع شوند.